

# ایده‌نولوژی و خاستگاه فکری سرمایه‌داری دولتی در شوروی

(ضرورت نقد به گذشته چپ جهان و ایران - قسمت پنجم)

## مزدک چهارزی

در بخش قبلی نقد خود، به استالینیزم پرداختیم و ریشه‌های فکری و عملی این انحراف پدید آمده در چپ جهانی و به طور مشخص در اتحاد شوروی را بررسی کردیم. پایه‌های مادی استالینیزم تسلط بر ارزش اضافی تولید شده توسط خیل عظیم مزدگیران و ضبط و استفاده از انباشت سرمایه حاصل از آن بود. در رובنای این شکل از سرمایه‌داری یک ایده‌نولوژی با تمام مشخصه‌های آن قرار داشت: ایده‌نولوژی بورژوازی استالینی.

مارکس در کتاب "ایده‌نولوژی آلمانی"، ایده‌نولوژی را آگاهی و آگاهی‌ها از گونه شده می‌خواند. این همان آگاهی و آگاهی‌ها است که طبقه‌ی حاکم برای حکومت کردن و فریب طبقه‌ی کارگر استفاده می‌کند: «پنداشت، تفکر و مناسبات عقلانی انسان‌ها در این مرحله هنوز به مثابه‌ی سرچشمه‌ی مستقیم رفتار مادی آنان ظاهر می‌شود. همین واقعیت نیز درباره‌ی ثمرات عقلانی آن‌گونه که در سیاست، قوانین، اخلاق، مابعد الطبیعه و غیره‌ی افراد متبلور می‌شود، صدق می‌کند. انسان‌ها سازنده‌گان مفهومات، تصورات و غیره خویش‌اند، یعنی انسان‌های واقعی و فعال، آن‌گونه که توسط نیروهای مولده‌ی معینی و مراوده‌ی مطابق با آن‌ها تا دورترین اشکال خود مشخص می‌شوند. آگاهی نمی‌تواند هیچ چیز دیگری جز موجود آگاه باشد، انسان‌ها و روابط آن‌ها هم چون در یک تاریخ‌خانه‌ی عکاسی باژگونه به نظر می‌آیند این پدیده درست همان اندازه ناشی از فرایند - حیات تاریخی آن‌ها است که واژگونی اشیا در شبکیه ناشی از فرایند - حیات جسمانی است» (ایده‌نولوژی آلمانی - کارل مارکس، فردریش انگلس - ترجمه تیرداد نیکی). انگلس هم در کتاب "لودویک فوئر باخ و پایان ایده‌نولوژی آلمانی" نیز به همین می‌پردازد و همین دیدگاه را دارد. همین ایده‌نولوژی که در ادبیات مارکس منفور بود با مرگ لنین معنایی انقلابی یافت! جدال میان دو جناح راست و چپ حزب به رهبری استالین و تروتسکی در رایج کردن این کلمه به شکل مثبت‌اش تاثیر مهمی داشت. هم استالین و هم تروتسکی مدعی بودند مفسر و راهبر "ایده‌نولوژی مارکسیسم لنینیسم" هستند. هر دو، آموزه‌های لنین را لنینیسم می‌خواندند، واژه‌ای که در دوران لنین هرگز به کار نرفت و لنین نیز هرگز چنین ادعایی در این باره نداشت. در حقیقت ایده‌نولوژی استالینیزم (بخوانید بورژوازی استالینی) با نام مارکسیسم لنینیسم تارهای خود را بر میراث انقلاب اکتبر تنید. شارل بتلهایم معتقد است ایده‌نولوژی بر دودسته است: 1) ایده‌نولوژی حاکم و 2) ایده‌نولوژی رسمی. ایده‌نولوژی حاکم ایده‌نولوژی‌ای است که توده‌های مردم را قانع می‌کند که حقیقت این است و بعد به وسیله‌ی آن درک، بر طبقه‌ی کارگر و مردم حکومت می‌کند. اما ایده‌نولوژی رسمی با زور و سرکوب حاکم گردیده و با همین مکانیزم بر ذهن توده‌ها حاکم می‌شود. ایده‌نولوژی حاکم بر اساس ریشه‌های تاریخی چند صد ساله‌ی بورژوازی با فئودالیسم به پیکار بر می‌خیزد و پرچم خود را بر اصل دفاع از حقوق و ارزش‌های فردی انسانی بلند می‌نماید. فلسفه‌ی بورژوازی قرون 16، 17 و 18 میلادی "ماتریالیسم مکانیکی" بود که جهان را مجموعه‌ای از اشیای مستقل می‌دید که هر کدام از آن‌ها استقلال و مادیت فردی دارند. در عرصه‌ی سیاسی نیز این فلسفه شکل جامعه‌ی مدنی و مالکیت‌های خصوصی مستقل و جدا از هم‌دیگر را می‌یافت. بر همین اساس بود که مالکیت خصوصی و کسب سود از کلیه‌ی مسیرها تنوریزه می‌شد و این درک با روش‌های مختلف به مردم باورانده می‌گردید.

اما در ایده‌نولوژی رسمی خواست‌ها و دیدگاه‌های طبقه حاکم با ابزارهای سرکوب، با جاسوسی و ایجاد ترس و وحشت به زحمت‌کشان و توده‌ی مردم تحمیل می‌گردید. و فرد تابعی از فرامین دست‌گاه رسمی دولتی بود. در اتحاد شوروی دهه‌ی 30 میلادی این "دست‌گاه" حزب کمونیست بود. این درک غلط که منافع حزب با منافع پرولتاریا یکی است به دوران اولین دولت بلشویکی بر می‌گردد. من در این جا از کلمه‌ی "دولت بلشویکی" و "انقلاب کارگری اکتبر 1917" استفاده می‌کنم چرا که معتقدم انقلاب اکتبر یک ضرورت تاریخی در روسیه و جهان بود و مستقیماً به دست طبقه‌ی کارگر روسیه تحقق پیدا کرد و ترکیب "دولت بلشویکی" را به کار می‌برم چون این دولت تنها با شرکت اعضای حزب بلشویک و نه آن هم کادرهای کارگر و کمونیست،

که فعالین حرفه‌ای سیاسی حزبی تشکیل گردید. در فاصله‌ی سال‌های 1917 تا 1922م. دولت مزبور فعالیت احزاب سیاسی روسیه را ممنوع و روزنامه‌های مستقل را تعطیل نمود. دولت بلشویکی با دیدی ولونتاریستی (اراده‌گرایانه) به اجرای کمونیسم و نابودی سرمایه‌داری نگاه می‌کرد. بلشویک‌ها و لنین تصور می‌کردند با مصادره، زندان، گرفتن آذوقه‌ی مازاد به زور و . . . قادر خواهند بود ریشه‌های مالکیت خصوصی و بازار را بخشکانند اما وقوع جنگ داخلی، مقاومت سرسختانه‌ی دهقانان میانه‌حال و مرفه و ایجاد بازارهای سیاه آن‌ها را وادار کرد که حقیقتی تلخ را بپذیرند. متأسفانه این بار دولت شوروی برای نیل به سوسیالیسم راهی را برگزید که به استقرار سرمایه‌داری دولتی منجر گردید. طرح سیاست نوین اقتصادی (نپ) در واقع سند شکست بلشویک‌ها و برنامه‌ی اراده‌گرایانه و ذهنی‌شان از استقرار سوسیالیسم بود. در هر دو مرحله جای یک چیز خالی بود: دخالت‌گری طبقه‌ی کارگر در امر تولید! پیش از انقلاب لنین با نگرش به نظام سرمایه‌داری دولتی در آلمان قرون 19 و 29 میلادی و انضباط حاکم بر آن، به این شیوه‌ی تولید به عنوان گذار به سوسیالیسم نگاه می‌کرد. لنین معتقد بود انضباط حاکم بر سرمایه‌داری انحصاری دولتی «در مورد مهندسی و نقشه‌ی تشکیلات جدید و عظیم سرمایه‌داری حرف آخر را می‌زند» و تصور می‌کرد پرولتاریا با اضافه کردن یک دولت شورایی به این سیستم به سوسیالیسم خواهد رسید. به همین دلیل سرمایه‌داری دولتی را پُلّی برای رسیدن به سوسیالیسم می‌دید. او در مقاله‌ی "فاجعه‌ی تهدید کننده و چگونگی مبارزه با آن" در سپتامبر 1917م. (قبل از پیروزی انقلاب) در این‌باره چنین می‌نویسد: « . . . شما درک خواهید کرد که یک دولت واقعا "انقلابی و دموکراتیک" به همراه سرمایه‌داری انحصاری دولتی ناچاراً و ضرورتاً قدمی است، حتی یک قدم بیش‌تر به سوی سوسیالیسم . . . چرا که سوسیالیسم صرفاً قدمی است رو به جلو که بعد از سرمایه‌داری انحصاری دولتی برداشته می‌شود . . . انحصار دولتی سرمایه یک آماده‌گی کامل مادی است برای سوسیالیسم، آستانه‌ی سوسیالیسم است، یک پله است در نردبان تاریخ که قبل از پله‌ی سوسیالیسم قرار گرفته است. بین این دو پله، هیچ پله یا پله‌هایی وجود ندارد » (مجموعه آثار لنین به زبان روسی جلد 25 صفحات 357 تا 359)

سال بعد (1918م.) لنین درباره‌ی سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم چنین می‌نویسد (در آستانه‌ی اجرای نپ): «اگر بخواهیم درباره‌ی عوامل اقتصادی مانند سرمایه‌داری دولتی صحبت کنیم بایستی مشخص نمایم که این مبارزه بین چه عناصری شکل می‌گیرد؟ آیا این مبارزه به صورت برجسته و مشخص بین عناصر سوسیالیسم و سرمایه‌داری است؟ البته نه. همچنین این سرمایه‌داری دولتی نیست که با سوسیالیسم در ستیز است. اما این خرده بورژوازی و سرمایه‌داری خصوصی است که با هم‌دیگر علیه سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم ستیز می‌کند.» (ترجمه‌ی فارسی مقاله‌ی چپرَوی کودکانه و ذهنیت خرده بورژوازی - و.ا. لنین - صفحه 17 - گرفته شده از مجموعه آثار لنین جلد 27 - صفحات 323 تا 354 - نوشته شده در 5 ماه مه 1918 م.) در واقع نگرش مثبت به سرمایه‌داری دولتی به مثابه‌ی متحد سوسیالیسم یا پُلّی برای رسیدن به سوسیالیسم، پیش از انقلاب اکتبر در ذهن لنین نقش بسته بود. در این رابطه بایستی درک لنین از دولت را بررسی کرد. همان‌طور که در سطور بالا اشاره کردم دولت از دیدگاه لنین، "آلت سیادت طبقاتی" است. او در کتاب "دولت و انقلاب" ضمن بررسی مجدد نظرات مارکس و انگلس درباره دولت به جدال نظری آن‌ها با آنارشیزم‌ها در این باب می‌پردازد. او در ادامه‌ی بحث به نقش دولت سرمایه‌داری و سرنوشت آن پس از انقلاب سوسیالیستی می‌پردازد. لنین همراه با مارکس رسیدن به جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی کمونیستی را در دو مرحله میسر می‌داند. فاز پایینی که همان سوسیالیسم است و شکل گذار را دارد و فاز دوم یا بالایی که همان جامعه و شیوه‌ی تولید کمونیستی است. در فاز پایینی، دولتی کارگری مستقر است که وظیفه‌ی حمایت از مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر در مبارزه‌ی طبقاتی علیه روابط سرمایه‌داری را به عهده دارد، زیرا سرمایه‌داری تنها از نظر حقوقی مالکیت خصوصی را از دست داده اما در شکل و ماهیت روابط تولیدی (پول - مبادله‌ی کالایی - ارزش اضافی - انباشت سرمایه) هنوز در جامعه حضور دارد. دولت در این دوران به دیده‌ی مارکس "دیکتاتور پرولتاریا" نامیده می‌شود. طبیعتاً با رشد قدرت طبقه‌ی کارگر (که کنترل‌کارگری بر تولید مهم‌ترین مولفه‌ی آن است) و از همه مهم‌تر رشد و تکامل نیروهای مولده (که فرهنگ و تکنولوژی و شکل تولید را هم در بر می‌گیرد) دولت هر روز ضعیف‌تر گردیده و ضرورت وجود آن با از میان رفتن روابط تولیدی سرمایه‌دارانه و طبقات و وابسته به آن از بین می‌رود. در حقیقت این دولت تنها دولتی در تاریخ است که به جای تمایل به تحکیم خود، تمایل به اضمحلال دارد.

اما پس از پیروزی انقلاب اکتبر نقش دولت و شکل آن با تمام تلاش‌ها به دلیل درک نادرست از رابطه‌ی حزب و طبقه به شکل بورژوازی دولتی درآمد. البته این دوران گذار از دیدگاه لنین سرمایه‌داری دولتی بود. او در

مقوله‌ی استثمار و مناسبات تولیدی درکی نزدیک به کائوتسکی داشت.

کارل کائوتسکی از رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان و انترناسیونال دوم، از نظر سیاسی بسیار دور از لنین بود زیرا لنین در موضع سیاسی کاملاً رادیکال و انقلابی محسوب می‌گردید و کائوتسکی در جناح راست قرار داشت. اما از نظر اقتصادی لنین به نوعی تأثیر پذیرفته از وی بود. این تأثیرپذیری تنها ویژه‌ی لنین نیست. کائوتسکی توانسته بود درک خود را بر بین‌الملل دوم و بسیاری از فعالان آن تحمیل نماید: او سرچشمه‌ی استثمار را در مناسبات تولیدی نمی‌دید بلکه معتقد بود مالکیت خصوصی منبع استثمار است و فکر می‌کرد با از میان رفتن مالکیت خصوصی است که استثمار نیز از میان می‌رود. در صورتی که مارکس مالکیت خصوصی را معلول و نتیجه‌ی کار بیگانه شده و کار بیگانه شده را معلول فرآیند نظام و مناسبات تولیدی مبتنی بر کارمزدی می‌دید. دقیقاً لنین و بلشویک‌ها با از میان برداشتن مالکیت خصوصی (از سرمایه‌داران و کارفرمایان مختلف) سعی داشتند تا استثمار را از ریشه بکنند غافل از این که تنها با انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت دولتی که خود "مالکیت خصوصی جمعی" بود، شکل تازه‌ای از سرمایه‌داری را ایجاد کردند. اما در معنی واقعی کلمه هیچ تغییری در کارمزدی و مبادله‌ی نیروی کار با سرمایه‌تغییری ایجاد نکردند. در حقیقت لنین و کائوتسکی هر دو از سرمایه‌داری درکی حقوقی داشتند. کائوتسکی دولت را در شکل یک کارفرمای بزرگ می‌دید و سوسیالیسم را در رابطه با دولت چنین تعریف می‌کرد: نظامی که (1) وسایل تولید را ملی می‌کند (که بلشویک‌ها طی برنامه‌ی نپ چنین کردند) (2) آناژشی در تولید، بیکاری، بی‌سوادی و توسعه‌نیافته‌گی را از میان بر می‌دارند (بلشویک‌ها نیز تولید را کاملاً تابع برنامه‌ریزی متمرکز کردند و عقب مانده‌گی در کشاورزی و بی‌سوادی را از بین بردند) (3) دولت سوسیالیستی همچون یک تراست غول‌پیکر عمل می‌کند: استخدام کارکنان و نقش کارفرما را به عهده دارد اما برخوردش نسبت به مزدگیران نسبت به سرمایه‌داری انسانی‌تر است (دولت بلشویکی نیز از سال 1922 م. به بعد چنین نقشی را به عهده گرفت و از سال 1928 م. این نقش را کاملاً تثبیت کرد).

به همین دلیل من معتقدم بسیاری از سیاست‌های اقتصادی لنین و بلشویک‌ها و نزدیک شدن‌شان به سرمایه‌داری دولتی از دیدگاه حاکم بر جریانات سوسیالیستی جهان (که انترناسیونال دوم نماینده‌ی جهانی آن در آن زمان بود) بر می‌خاست. در حقیقت این دیدگاه بر خلاف دیدگاه مارکس و انگلس است - که برای استثمار به دنبال "ریشه" می‌گشتند و آن ریشه را در مناسبات موجود می‌یافتند - و تنها در تنه و شاخه‌ها متوقف ماند و درمان را با درکی غلط و از بالا (بدون یاری طبقه‌ی کارگر و تشکل‌های واقعی‌اش) سازمان دادند.

ادامه دارد . . .